



عبدالاحمد فیض

## آیا دادستان کل امر صلاحیت قانونی در اقامه دعوی جزائی علیه معاون نخست ریاست جمهوری برخوردار است؟

بر بنیاد گزارشات خبری وبخصوص وال استریت ژورنال ، دادستان کل آقای حمیدی قرارمبنی بر بازداشت (۹) تن از محافظان وفادار به جنرال عبدالرشید دوستم رئیس جنبش ملی و اسلامی و معاون نخست ریاست جمهوری افغانستان را به ظن آزار و اذیت جنسی احمد ایشچی یکتن از شرکای سیاسی قبلی جنرال دوستم صادر نموده است. همچنان بر پایه همین گزارش و تأیید منابع مختلف رسانه ای داخلی، دادستانی کل از عدم همکاری آقای دوستم در روند تحقیقات و عدم حضور موصوف غرض انجام تحقیق سخن گفته و تأکید داشته است که آقای معاون اول را به حبس خانگی سوق داده و مقام وی بعنوان معاون اول ریاست جمهوری طی فرامین جداگانه به تعلیق گذاشته خواهد شد و هکذا یکتن از سخن گویان مقام فرماندهی (ریاست جمهوری) به اتخاذ اقدامات بلند بالای ازینگونه ، بدون توجه به فاکتها و حقایق تلخ نهفته در باتلاق بحران سیاسی ، نظامی و اجتماعی کنونی و حساسیت اوضاع در حال استحاله کشور و نیز بدون اهتمام به اصول و ارزشهای قانون اساسی و نظام حقوقی کشور صحنه گذاشته است . بنابراین هرگاه دولت بخواهد درین آزمون بزرگ و بدون تردید توأم با مخاطره گام بردارد که احتمالاً خواهند برداشت ، اقدامات تیکه تا کنون از سوی اداره دادستانی عمومی درین پرونده ، تحت تحکم دستهای بیرونی و عناصر معین در داخل نظام انجام گردیده و یا در حال انجام است ، به هیچوجه با ارزشهای مندرج در قانون اساسی مطابقت نداشته است ، زیرا:

ماده (۶۹) قانون اساسی چنین حاکمیت: ((رئیس جمهور در برابر ملت و ولسی جرگه مطابق احکام قانون مسوول می باشد.

اتهام علیه رئیس جمهور به ارتکاب جرایم بشری ، خیانت ملی یا جنایت از طرف یک ثلث اعضای ولسی جرگه تقاضا شده میتواند. در صورتیکه این تقاضا از طرف دوثلث کل آراء ولسی جرگه تأیید گردد، ولسی جرگه در خلال یکماه لوی جرگه را دایر مینماید.

هرگاه لوی جرگه اتهام منسوب رابه اکثریت دوثلث اعضا تصویب نماید ،رئیس جمهور از وظیفه منفصل و موضوع به محکمه خاص محول میگردد)).

همچنان ماده (۶۷) این قانون چنین حکم مینماید:

((در صورت استعفا، عزل ، وفات رئیس جمهور ویا مریضی صعب العلاج که مانع اجرای وظیفه شود، معاون اول رئیس جمهور صلاحیتها ووظایف رئیس جمهور را بعهده میگیرد. در صورت غیابت رئیس جمهور، وظایف معاون اول توسط رئیس جمهور تعیین میگردد.)).

فلهذا از فحوای احکام مندرج در مواد فوق بوضوح مشخص میگردد که مقام معاونیت اول ریاست جمهوری یک موقف تشریفاتی و فاقد صلاحیت وپرستیژ حقوقی و سیاسی نبوده بل دومین مقام ذیصلاح است که بادر نظر داشت احکام فوق ، در صورت غیابت رئیس جمهور، از صلاحیت رهبری ارگانهای سه گانه قدرت برخوردار بوده ولذا علی الرغم عدم صراحت قانون اساسی در خصوص نحوه تعقیب و محاکمه معاونین رئیس جمهور، به هیچ عنوانی نمیتوان معاون اول رئیس جمهور را همانند شهروندان عادی مورد تعقیب، تحقیق و محاکمه قرارداد. لذا از منظر حقوقی وبتأسی از حکم قانون اساسی تعقیب و محاکمه این مقام دولتی مشمول کلیه شرایط و میکانیزمهای است که در ماده (۶۹) قانون اساسی وضاحت یافته است ، بنابراین این سارنوال نخواهد بود تا فرمان توقیف ، دستگیری معاون اول را صادر ویا بوی بحیث دادستان تفهیم اتهام نماید ، بلکه با جرأت وبا در نظر داشت مسوولیتهای مسلکی میتوان اذعان داشت که این فقط پارلمان و سپس لویه جرگه خواهد بود که از صلاحیت وپوتنسیلهای لازم حقوقی برخوردار بوده و میتواند به بن بست موجود با تمام مسوولیتهای عظیمی که در احوال کنونی کشور دارند ، نقطه فرجام گذارد در غیر آن این موضوع بیک بحران مضاعف منتهی خواهند گشت.